

review

Nouns			
appreciation	قدردانی، فهم	pigeon	کیوتر
collocation	هم‌آپی، ترکیب (واژگان)	process	روند، روش، فرایند
inspiration	الهام، منبع الهام، (محاوره) فکربرک	principle	اصل، اساس، قانون
solution	راه حل، محلول	diary	خاطرات، دفتر خاطرات، سررسید
physician	پزشک	duty	وظیفه، تکلیف، مأموریت
quantity	کمیت، مقدار، تعداد	sofa	کاناپه
responsibility	مسئولیت، وظیفه	lap	آغوش، کنار
belonging(s)	وسایل، اموال منقول، خویشاوندان	heritage	میراث، ارث
blessing	رحمت، برکت، دعای خیر، خوبی	oven	تنور، فر
teenager	نوجوان	vase	گلدان
cancer	سرطان، بلا، (ستاره شناسی) خرچنگ	tear	اشک
failure	شکست، (آدم) ورشکسته، (محصول) افت، (موتور) نقص	score	امتیاز، نتیجه، نمره
robber	دزد، سارق، راهزن	ethics	علم اخلاق، اخلاقیات
author	نویسنده، (هنر) خالق	guideline	سرمشق، دستورالعمل
reason	دلیل، شعور، منطق	homeland	زادگاه، وطن
knowledge	دانش، اطلاعات	wisdom	خرد، دانایی، حکمت
addition	افزوده، اضافه	chess	شطرنج
childhood	بچگی، دوران کودکی	cure	درمان، چاره
diploma	دیپلم	doer	انجام دهنده، اهل عمل

grandchild	نوه	hug	آغوش
moral	اصول اخلاقی	object	هدف، مفعول
strength	قدرت، استحکام	parrot	طوطی، طوطی صفت
sense	حس، عقل، فهم		
Adjectives			
dedicated	متعهد، دلسوز، مشتاق	heavy	سنگین، (کار)سخت، (خواب) عمیق
distinguished	مشهور، موقر	regretful	تأسف‌آمیز، حاکی از پشیمانی، پشیمان
ordinary	معمولی، متوسط	grateful	متشکر
elderly	مُسن، سالخورده	willing	علاقه-مند، مشتاق، (شخص) حاضر، (همکا ری) باکمال میل

countless	بی‌شمار، بی‌حد و اندازه	loving	بامحبت، مهربان، (رفتار) محبت-آمیز
compound	مرکب	Hard of hearing	کم‌شنوا
meaningful	معنی‌دار	peaceful	صلح‌آمیز، بدون درگیری
religious	دینی، مذهبی	terrible	وحشتناک، افتضاح
present	حاضر، فعلی	unreal	باورنکردنی، غیرواقعی
Adverbs			
surprisingly	باکمال تعجب، به طرز تعجب-آوری	hence	بنابراین، پس
repeatedly	مکرراً، به کرات	thus	در نتیجه، بنابراین
unconditionally	بی‌چون و چرا، بی‌قید و شرط	once	یک دفعه، روزگاری، زمانی، قبلاً
whereby	که از آن طریق، که با آن	aloud	با صدای بلند
accidentally	تصادفاً، اتفاقی	interestingly	به طرز جالبی، شگفت این که...

kindly	با ملایمت، لطفاً	sometime	یه زمانی، یه وقتی
Verbs			
signal	پیام فرستادن، علامت دادن، اشاره کردن، (رانندگی) راهنما زدن	generate	به وجود آوردن، تولید کردن، ساختن
sound	به نظر رسیدن، بودن، صدادادن	honor	احترام گذاشتن به، افتخار دادن به
shout	فریاد کشیدن، جیغ زدن، بلند بلند گفتن	handle	دست زدن به، اداره کردن، کار کردن با، (افراد) آموزش دادن
steal	دزدی کردن، دزدکی آمدن	hate	متنفر بودن از
mention	گفتن، اشاره کردن، یاد آوردن، (شخص) اسم ... را بردن	elicit	(حقیقت) بیرون کشیدن، استنباط کردن
note	توجه کردن به، متوجه بودن، یادداشت کردن، خاطرنشان کردن	discover	فهمیدن، (سرزمین، مطلب) کشف کردن، (گنج) پیدا کردن
regard	به شمار آوردن، رعایت کردن، نگاه کردن	deserve	سزاوار... بودن، لایق... بودن
record	ثبت کردن، یادداشت کردن، (صدا و تصویر) ضبط کردن	lower	پایین آوردن، کم کردن
replace	سرجای خود برگرداندن، جایگزین کردن	feed	غذا دادن به، تغذیه کردن
reply	جواب دادن	function	کار کردن، عمل کردن، وظیفه داشتن
boost	(برق، انرژی، موتور) تقویت کردن، (قیمت) بالا بردن، (تولید) افزایش دادن، (روحیه) تقویت کردن، (شخص، کالا) حمایت کردن	forgive	بخشیدن، رحم کردن به

burst	منفجر شدن، ترکیدن، (غنچه) شکفتن، (مایعات) فوران کردن	confirm	تأیید کردن، تصدیق کردن، تأکید کردن بر، قطعی کردن
babysit	بچه نگه داشتن، بچه داری کردن	combine	ترکیب کردن، متحد کردن
pause	مکث کردن، ساکت شدن، تردید کردن	found	تأسیس کردن، بنا کردن
provide	تهیه کردن، فراهم کردن، در اختیار گذاشتن، (رسمی) شرط کردن، قید کردن	spare	مضایقه کردن از، رحم کردن، (پول) اختصاص دادن، کنار گذاشتن
catch	گرفتن، دچار شدن	choose	انتخاب کردن، تصمیم گرفتن
cure	درمان کردن	fix	تعمیر کردن، قطعی کردن
hug	بغل کردن، درآغوش گرفتن	install	نصب کردن، کار گذاشتن
receive	به دست آوردن، دریافت کردن	sense	حس، عقل، فهم
carry	حمل کردن، منتقل کردن	inform	مطلع کردن، باخبر کردن
lack	فقدان، کمبود		
Phrasal verbs			
go through	بررسی کردن	end in	به چیزی منتهی شدن/منجر شدن
bring up	پرورش دادن	take a rest	استراحت کردن
care for	مراقبت کردن از، پرستاری کردن از		
Preposition			
within	در محدوده، داخل		
Determiner / Conjunction			
either	یا، هریک	such	چنان، طوری، آن قدر
while	وقتی که، در حالی که	as	چون، وقتی که